



# تأثیر دستوری ترجمه در زبان فارسی

دکتر خسرو فرشیدورد



[ آشنا: به سفارش آقای دکتر فرشیدورد شیوه املائی ایشان کاملاً حفظ شده است ]

امروز ما تحت تأثیر ترجمه های بد و ناقص قرار گرفته است که دهها اصطلاح ترجمه ای نامناسب حاصل آنست. اصطلاحاتی چون: قوه مقننه، قوه مجریه، قوه قضائیه، فوق الذکر، اتخاذ تدابیر لازم و دهها مانند آن.

مسأله ترجمه و اخذ تعبیرات ترجمه ای و لغات بیگانه خود زائیده برخورد زبانها باهمست و برخورد زبانها با هم نیز حاصل برخورد فرهنگها با یکدیگر است و این برخورد و پیوند فرهنگها و زبانها باهم از عوامل پیشرفت اجتماعات و علوم و فنون و معارفست و امریست کاملاً طبیعی و ناگزیر زیرا هیچ زبان و فرهنگی نیست که تحت تأثیر زبان و فرهنگهای دیگر قرار نگرفته باشد و زبان و فرهنگ پاک و خالص در جهان وجود ندارد.

حاصل جریان طبیعی برخورد فرهنگها و زبانها باهم یکی، ورود لغات زبانیست بزبان دیگر بعین لفظ که زبانشناسان آن را قرض<sup>(۱)</sup> یا اقتباس میگویند و دیگر مسئله مهم ترجمه است؛ باین سبب زبانشناسی جدید برای این دو موضوع اهمیت فراوانی قائل شده است و در این زمینه بحثهای بسیاری کرده است بخصوص که بعضی از اصطلاحات و عناصر ترجمه ای خود نوعی قرض و عاریه اند که میتوان آنها را «قرض ترجمه ای» یا «تعبیرات ترجمه ای»<sup>(۲)</sup> نامید مانند بسیاری از اصطلاحات علمی و ادبی و هنری و روزنامه ئی که وارد زبان ما شده اند،

مقدمه - زبان فارسی دارای جنبه ها و جلوه های متنوع و متعددیست که پژوهش درباره همه آنها برای فرزندان این مرزوبوم و وظیفه ایست حتمی و لازم، مثلاً پژوهش درباره زبانهای ایرانی پیش از اسلام، لهجه های محلی، زبان دری کهن و آثار متعددی که از آن باقی مانده است و همچنین تحقیق درباره زبان فارسی معاصر، بز ما فرض است ولی آنچه بیش از همه مورد نیاز ماست فارسی معاصر است و چون فارسی معاصر و آینده تحت تأثیر ترجمه از زبانهای اروپائی قرار دارد و خواهد داشت بنظر من مهمترین مسئله زبان فارسی امروز برای ما ترجمه است و سایر مسائل این زبان از قبیل تصحیح متون قدیم و زبانهای پیش از اسلام در درجه دوم اهمیت قرار دارد. یکی از معایب کار دانشگاهها و معلمان ادبیات ما اینست که باین مسئله حیاتی یعنی فارسی معاصر و ترجمه، توجه لازم را نکرده اند و در نتیجه زبان

۱- اقتباس یا قرض یا وام را در اصطلاح زبانشناسی در فرانسه emprunt و در انگلیسی borrowing میگویند.

2- Loan translation (e) calque(f)

- در این نوشته «e» نشانه انگلیسی و «f» علامت فرانسه است.



## تأثیر دستوری ترجمه های عربی در فارسی

زبان عربی از راه ترجمه در ساختمان دستوری بعضی از نوشته های فارسی زیاد تأثیر کرده است و این تأثیرها در این موارد است:

۱- بوجود آمدن مفعول مطلق به شیوه عربی - از اقسام مفعول مطلق عربی مفعول مطلق نوعی<sup>(۲)</sup> تحت تأثیر ترجمه در فارسی کم و بیش بکار رفته است و آن مصدریست که بتنهائی یا با متمم خود چگونگی وقوع فعل را بیان مینماید. بنابراین نقش قید کیفیت را بازی میکند و از گروههای قیدی کیفیت بشمار میرود. در عربی این نوع مفعول مطلق فراوانست اما در فارسی چنین نیست و آنجا هم که بکار میرود بیشتر تحت تأثیر عربیست از همین رو در آثاری که از عربی ترجمه شده است بسیار است و آشکار است که با ساختمان زبان فارسی چندان منطبق نیست. مثال:

میخوانند آن را سزای خواندن (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۱۰۱ تصحیح ینمائی، چاپ نخست) در ترجمه «یتلونه حق تلاوته» (سوره البقرة آیه ۱۱۵).

که در اینجا «حق» نایب مفعول مطلق و «تلاوته» مضاف الیه آنست. «حق تلاوته» چنانکه می بینیم در ترجمه تفسیر طبری «سزای خواندن» ترجمه شده در حالیکه در کشف الاسرار «پی بردن بسزا» ترجمه گردیده است: «پی بردند بآن پی بردن بسزا» (کشف الاسرار ج ۱ ص ۳۳۳) بکوشش علی اصغر حکمت چاپ نخست). البته چنانکه دیده میشود این ترجمه ها تحت اللفظی است و عبارات ترجمه ای هم بسیاق فارسی نیست مثلاً در اینجا کافی بود «حق تلاوته» «بسزا» ترجمه میگردید و عبارت چنین میشد: «آنها بسزا میخوانند» برای دیدن اینگونه مثالها رجوع کنید بکشف الاسرار جلد ۷ ص ۴۲ س ۱۵ و ص ۱۹۹ و ج ۱ ص ۳۲۰ و ۳۳۲.

در اشعار منوچهری و تاریخ بیهقی و التفهیم ابوریحان که متأثر از عربی هستند نیز مفعول مطلق بشیوه عربی و

عناصری از قبیل: ابراز امید کردن، ابراز یأس کردن، ابراز نگرانی کردن، روانشناسی، جامعه شناسی و غیره. بنابراین این تعبیرات هم جنبه اقتباسی و قرضی دارند، هم جنبه ترجمه ای.

هرچه زبانی از لحاظ علمی و فرهنگی و اقتصادی و اجتماعی غنی تر و قویتر باشد بزبانهای دیگر لغات و مفاهیم بیشتری قرض میدهد و هرچه ملتی از نظر علمی و فنی و اقتصادی و مذهبی و سیاسی بکشور دیگر بیشتر احتیاج داشته باشد از آن نیز بیشتر لغت و مفهوم اقتباس میکند؛ بهمین سبب امروز لغات و مفاهیم اروپائی که زبان صنعت و فن و علوم و معارف جدید است بیش از هر زبانی وارد زبان کشورهای کوچکتر و نیازمندتر میشود تا جائیکه زبان روسی که خود نیز از زبانهای علمی و صنعتی و فنی دنیاست و بنوبه خود در زبانهای دیگر تأثیر مینماید، از این نفوذ در امان نمانده است.

باری این جریان طبیعی یعنی هجوم لغات و مفاهیم جدید کشورهای پیشرفته بزبان ممالک کوچک و در حال پیشرفت مسأله ای ایجاد میکند که سه صورت حل میشود:

۱- گرفتن لغات خارجی بعین لفظ

۲- ترجمه

۳- راه بین بین، یعنی هم ترجمه و هم گرفتن عین لغات. اینک ما در این بخش که بر پایه ده هزار یادداشت است تأثیر دستوری ترجمه را از زمانهای بسیار قدیم تا کنون در زبان فارسی بررسی میکنیم.

پیش از این بررسی باید این نکته ی مهم را یادآوری کنیم که هر زبانی دارای دو دستگاه مهم است: یکی دستگاه لغوی<sup>(۱)</sup> که شامل عناصر نامحدود است که باین سبب آن را طبقه باز زبان میگویند، دیگر دستگاه دستوری که شامل عناصر محدود زبانتست، عناصری از قبیل پسوندها و پیشوندها و ضمائر و حروف و بعضی از صفات و ساختمانهای نحوی؛ باین سبب آن را طبقه بسته زبان مینامند.

ترجمه هم بر دستگاه لغوی زبان فارسی تأثیر کرده است و هم بر دستگاه دستوری آن، مادر اینجا تنها تأثیر دستوری ترجمه را در زبان فارسی بررسی میکنیم.

۱- مراد از دستگاه لغوی یا واژگان مجموعه لغات زبانتست

(e) Vocabulary (f) Vocabulaire.

۲- در عربی مفعول مطلق بر سه قسمت: ۱- نوعی ۲- عددی ۳- تأکیدی

برخلاف سیاق جمله بندی فارسی دیده میشود:

فرود آور بدرگاه وزیرم

فرود آوردن اعشی بسابل

(منوچهری)

یکدیگر را ببرند بریدن بر پشت کره (التفهیم ص ۸۳ چاپ ۱۳۱۸ تصحیح همائی).

بخشیده است بخشیدن راست (همان کتاب ص ۳۶۲).

غلامان ترا بفرمود تا بزدند، زدنی سخت و قباش پاره کردند (بیهقی ص ۱۶۳ تصحیح دکتر فیاض و دکتر غنی)<sup>(۱)</sup> در آثار غیر ترجمه نیز بندرت مفعول مطلق نوعی بچشم میخورد:

بخندید خندیدنی شاهوار

چنان کامد آوازش از چاهسار

(فردوسی)

قاصدان را بر عصایت دست نی

تو بخسب ای شه مبارک خفتنی

(مولوی)

نگه کرد رنجیده در من فقیه

نگه کردن عاقل اندر سفیه

(سعدی)

امروز هم مفعول مطلق بکار میرود اما نه بشیوه قدیم مانند: «خندید اما چه خندیدنی» و «رفت اما چه رفتنی». چنانکه دیده میشود امروز مفعول مطلق با «چه» و «اما» همراه است<sup>(۲)</sup>.

بهرحال داوری درباره اینکه مفعول مطلق در فارسی همیشه تحت تأثیر عربی بوجود آمده است کار آسانی نیست اما شک نیست که در تفسیرها و ترجمه های تحت اللفظی چنینست.

۲- مفعول له بدون حرف اضافه - مفعول له در عربی اسمیست که فعل برای آن واقع میشود یا بعبارت دیگر غایت وقوع فعلست مانند «ضربه تادیباً» (او را بمنظور تادیب زد).

این مفعول در عربی گاهی بدون حرف جر میآید مانند مثالی که دیدیم و گاهی هم با حرف جر «ل» همراهست ولی

در فارسی همواره با حرف اضافه یا گروههای اضافی همراهست یعنی با کلمات و گروههایی از قبیل «برای»، «از برای»، «از بهر»، «بمنظور»، «بعلت»، «بسبب» و غیره مگر آنجا که تحت تأثیر ترجمه عربی باشد و حرف اضافه آن حذف گردد. مثال:

«کنند انگشتها اندر گوشه اشان از صاعقه بیم مرگ»

(ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۲۱) در ترجمه آیه: يجعلون اصابهم فی آذانهم من الصواعق حذر الموت (سوره بقره آیه ۱۹).

که «بیم مرگ» باید با «از» و یا با «بسبب» همراه باشد همانطور که در کشف الاسرار چنینست:

«انگشتهای خود را در گوشها کنند از بیم آنکه صاعقه رسد بایشان از بیم مرگ» (کشف الاسرار ج ۱ ص ۷۶ در ترجمه همان آیه).

مثال دیگر:

و خداوند خویش را میخوانند بیم و امید (کشف الاسرار جلد ۷ ص ۵۲۹ س ۲۱) در ترجمه «یدعون ربهم خوفاً و طمعاً» سوره سجده آیه ۱۶.

بطوریکه می بینیم «خوفاً و طمعاً» بجای «از بیم و امید»، «بیم و امید» ترجمه شده است.

مثال دیگر:

خواهد بیشتری از اهل کتاب از بازگرداندنی شما را از پس ایمان شما کافری حسدی از نزدیک تنهاشان (ترجمه تفسیر طبری ج ۱ ص ۹۹ س ۱۱).

در ترجمه «و ذکثیر من اهل الکتاب لو یردونکم من بعد ایمانکم کفاراً حسداً من عند انفسهم» (سوره البقره آیه ۱۰۹). یادآوری - ضمناً مفعول له های عربی بهمان صورت اصلی خود در زبان فارسی نیز نفوذ کرده و در آثار زبان ما

۱- برای دیدن مثالهای بیشتر بتاریخ بیهقی صفحه های ۴۴ و ۳۸ و ۴۲ و ۲۰۷ مصحح دکتر فیاض و دکتر غنی رجوع کنید.

۲- در زبان انگلیسی هم اصطلاحیست بنام The cognate object که مفعول همربشه معنی میدهد و بامفعول مطلق منطبقست مانند: او زندگانی کرد زندگی درازی: He lived long life

بکار رفته اند مانند تیمناً، تفنناً، تعمیماً، توسعاً یعنی «برای تیمن» «برای تفنن»، «برای تعمیم»، «برای توسع»:  
«و بعضی از آنها تیمناً نگارش یافت» (مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۵۰ چاپ مصفا)

«بعضی از نتایج افکار ابکار تیمناً تحریر شد» (مجمع الفصحاء ج ۱ ص ۵).

«ولی تعمیماً للفائدة تکرار آن را در این موضوع خالی از فایده ندانستیم» (محمد قزوینی تعلیقات چهار مقاله ص ۶ چاپ معین).

«و این اصل معنی آن بوده پس از آن توسعاً بمعنی مطلق نامه استعمال شده است» (ملک الشعراء بهار، سبک شناسی ج ۲ ص ۳۰۵).

۳- مطابقه حال با صاحب حال - در فارسی حال (قید حالت) بر خلاف عربی با صاحب آن مطابقت نمیکند اما در ترجمه تحت اللفظ از جمله های عربی گاهی این مطابقه دیده می شود و پیداست که چنین مورد استعمالی تحت تاثیر ترجمه بوجود آمده است. مثال:  
«بگزارف در زمین مروید بدکاران» (کشف الاسرار ج ۲ ص ۴۸۲).

در ترجمه «لا تعثوا فی الارض مفسدین» (آیه ۳۶ از سوره عنکبوت). که «بدکاران» بمعنی «بدکاران» و «بابدکاری» است که قید حالتست و بر خلاف سیاق عبارت فارسیست و پیروی از «مفسدین» عربی که حالت بصورت جمع آمده است.

یادآوری - در فارسی غیر ترجمه هم بندرت مطابقه قید حالت با صاحب آن (فاعل و یا مفعول) فعل بچشم میخورد: نشستند هر دو پرانده‌یاشگان

شده تیره روز جفایشگان  
(شاهنامه بروخیم ج ۱ ص ۹۴ س ۶۲۴)

۴- معانی حروف اضافه فارسی تحت تاثیر ترجمه عربی - بسیار دیده شده است که تحت تاثیر ترجمه مورد استعمال معنی حروف اضافه یک زبان از راه ترجمه بزبانی دیگر

نفوذ میکند و این امر، مورد استعمال و معنی هائی بوجود می آورد که قبلاً در زبان میزبان (زبان مقصد) نبوده است مانند استعمال حرف اضافه «برای» پیش از اسمها و قیدهای زمان فارسی که تحت تاثیر زبانهای فرنگی بوجود آمده است و مثلاً برای همیشه، ترجمه Pour toujours فرانسه و یا for ever انگلیسی است، در حالیکه پیش از آن چنین مورد استعمالی در فارسی نبوده و بجای آن «تاجاودان» یا «چاودان» یا «همیشه» میگفته اند.

بر طبق این قاعده بکار رفتن بسیاری از حروف اضافه در جمله های فارسی مقتبس از عربیست و ممکنست برعکس این نیز باشد مانند:  
برعمیا ترجمه علی العمیا:

تو چون موری و این راهست همچون موی بت رویان  
مرو زنهار بر تقلید و بر تخمین و برعمیا (سنائی)  
«در گذشتن از» ترجمه عفو عن:  
«اکنون که توبه کردید از شما درگذشتیم» (تفسیر تربت جام) بجای شما را عفو کردیم یا شما را بخشودیم.  
«بر سبیل» ترجمه علی سبیل:  
«والا علی سبیل الندره، گلهای بوئیده و دست مالیده دیگران استشمام نکردم. (مرزبان نامه).

و در فارسی امروز هم داریم بر سبیل اتفاق، بر سبیل تصادف، بر سبیل ندرت.  
در قدیم نیز داریم: بر سبیل تعجیل (منتخب کلیله و دمنه ص ۲۶ س ۱۱ چاپ قریب).  
بر سبیل افترا (همان کتاب ص ۴۳ س ۱۳).

بر سبیل تطوع و تبرع (همان کتاب ص ۱۴۳).  
باتوجه باینکه کلیله و دمنه فارسی ترجمه ای از عربیست درستی فرض مادر مورد اینکه «بر سبیل» ترجمه «علی سبیل...» است ثابت میشود.

«و بر حکم فرمان عالی این چند فصل بر سبیل اختصار نوشته آمد» (سیاستنامه ص ۵ س ۱۴ تصحیح عباس اقبال).  
«نگه کرد در» و «نگریست در» ترجمه «نظرفیه» است: ساعتی در خود نگر تا کیستی

نگه کرد رنجیده در من فقیه

نگه کردن عاقل اندر سفیه

(سعدی)

بر غم و بر رغم ترجمه علی رغم:

برغم مدعیانی که منع عشق کنند

جمال چهره تو حجت موجه ماست

(حافظ قزوینی ص ۱۸)

و از این قبیلست:

«در جمله» ترجمه «فی الجملة»:

تفصیل دلم چه بررسی ای جان جهان

در جمله همی دان که دلی خوش دارم

«از جمله» ترجمه «من جمله»:

«بر فور» ترجمه «علی الفور»

سلام بر شما ترجمه سلام علیکم.

۵- تأثیرهای دستوری دیگر ترجمه عربی در فارسی - بعضی

از عناصر دستوری ترجمه از عربیند مانند: «اگر نه» که

ترجمه «لولا» است:

گر نه عشق تو بدی لعب فلک

هر رخی را فرسی داشت می

(دیوان خاقانی، ص ۶۷۵ تصحیح دکتر سجادی، چاپ ۱۳۳۹)

«وگر» و «ور» بمعنی اگرچه ممکنست ترجمه «و این» و

«ولو» عربی باشد و ممکنست نیز چنین نباشد زیرا در

فارسی نیز «و اگر» بمعنی «اگرچه» وجود دارد.

ور فریدون بود بنعمت و مال

بی هنر را بهیچکس مشمار

(سعدی)

«هان ای، ترجمه «الایا»:

الایا ایها الساقی ادرکأساً و ناولها

که عشق آسان نمود اول ولی افتاد مشکها

(حافظ)

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان

ایوان مدائن را آئینه عبرت دان

(خاقانی)

«ایعجب» ترجمه «یاللعجب» و «ایکاش» ترجمه

«یالیت»:

ایعجب این رنگ از بیرنگ خاست

موسنی با موسنی در جنگ خاست

(مولوی)

ایکاش که جای آرمدن بودی

یا این ره دور را رسیدن بودی

(خیام)

شاید «ایدریغ» ترجمه «واحسرتاه» و «خوشا» ترجمه

«طوبی» باشد.

«وگر نه» ترجمه «والآ (وان لا)» است:

چو سائل از تو بزاری طلب کند چیزی

بده وگر نه ستمگر بزور بستاند

(سعدی)

بده داد من زان لبانت وگر نه

سوی خواجه خواهم شد از تو به گرزش

(خسروانی)

«هرگاه ... هرآینه» ... هرآینه در فارسی قدیم قید تأکید

بوده است، و این کلمه وقتی جواب هرگاه یا چون یا اگر باشد

و در آغاز جمله جزاء یا جمله جواب شرط درآید، جنبه

ترجمه ای داشته است؛ زیرا در عربی هم در این موارد «ل»

(بمعنی هرآینه) میآید، بنابراین ترجمه از عربی نوعی

ساختمان نحوی خاص در فارسی بوجود آورده است:

«هرگاه که متقی در کار این جهان تأملی کند، هرآینه

مقابح آن را بنظر بصیرت بیند» (منتخب کلیله و دمنه، ص

۴۵، بکوشش عبدالعظیم قریب).

«و چون از لذات دنیا با چندان وخامت عاقبت آرام

نمیباشد هرآینه تلخی اندک شیرینی بسیار ثمرت دهد به از

شیرینی اندک کز تلخی بسیار زاید» (همان کتاب، ص ۴۶).

«و هر راز که ثالثی در آن محرم نمیشود هرآینه از

اشاعت مصون ماند» (همان کتاب، ص ۲۵).

دل از جواهر مهتر جو صیقلی دارد

بود ز زنگ حوادث هرآینه مصقول

(حافظ قزوینی / ص ۲۰۸)

صیغهٔ افعال تفضیل در عربی هم معنی صفت تفضیلی دارد مانند هو افضل منک: (او فاضلتر از تست). و هم معنی صفت عالی ماند «هو افضل الرجال» «او فاضلترین مردانست» پسوند «تر» در قدیم نیز در فارسی چنین بوده است یعنی هم مثل امروز برای تفضیل و بمعنی «تر» میآمده است و هم بمعنی «ترین» بوده است و صفت عالی میساخته است بنابراین کاری شبیه با فعل تفضیل عربی میکرده است و معنی «ترین» آن ممکنست تحت تأثیر ترجمهٔ عربی بوجود آمده باشد. مثال برای «تر» بمعنی امروزی آن:

چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مستت را  
که کس آهوی وحشی را از این خوشتر نمیگیرد

(حافظ)

مثال برای «تر» بمعنی «ترین»:

«و بدان ای پسر که سرشت مردم چنان آمده که تکاپوی کند تا از دنیا آنچه نصیب او آمده باشد بگرمایتر کس خویش بماند و نصیب من از دنیا سخن آمد و گرمایتر کس بر من تسوئی» (قابوسنامه ص ۳ تصحیح دکتر یوسفی) یعنی «گرمایترین کس خویش».

اگرچند از نامور تر تباری

و گرچند از بهترین خاندانی

(فرخی)

بعضی از ساختمانهای دستوری و همچنین برخی از تعبیراتی که در عربی و فارسی مانند یکدیگرند حاصل ترجمهٔ فارسی از عربی نیست مثلاً هم در عربی و هم در فارسی میانه و هم در فارسی دری قدیم برای موصوف جمع، صفت جمع میآمده است:

بصفای دل رندان صبوحی زدگان

بس در بسته بمفتاح دعا بگشایند<sup>(۱)</sup>

(حافظ)

بهر حال مشابهت اینگونه اصطلاحات در دو زبان همیشه بر اثر ترجمه نیست بلکه بسیاری از این موارد حاصل توارد است مانند: «نظرفیه عربی و Look at انگلیسی» یا «در واقع» فارسی و «فی الواقع» عربی و «in fact» انگلیسی و «en réalité» فرانسوی یا «فی الحقیقه»

عربی و «در حقیقت» فارسی و «en vérité» فرانسوی یا «فی الاصل» عربی و «در اصل» فارسی و «in principio» انگلیسی و «en principe» فرانسوی.

ضمناً نثر عربی تحت تأثیر پهلوی و بوسیلهٔ نویسندگان و مترجمان ایرانی نسب و پهلوی دانی چون ابن المقفع و عبدالحمید کاتب کمال یافت و مثلاً در سه قرن اول هجری کتابها و رسالات فراوانی از پهلوی بعربی ترجمه شد از آنجمله است کتاب التاج، کلیله و دمنه، نامه مستند، گزارش شطرنج، لهراسب نامه، آئین چوگان زدن، آئین تیراندازی، کتاب الاختلاج، کتاب الفال، کتاب زجرالفرس، بهرام دخت، سیرت اردشیر، ستور پزشکی و بسیاری دیگر<sup>(۲)</sup> بنابراین نثر عربی متأثر از پهلویست و از سوی دیگر بسیاری از کتابهای فارسی از عربی ترجمه شده اند و بعضی دیگر از پهلوی بعربی و پس از عربی بفارسی درآمده اند مانند کلیله و دمنه و سندبادنامه. از این رو تأثیر پهلوی در عربی و عربی در فارسی انکارناپذیر است با این ترتیب فارسی دری بدو صورت از پهلوی متأثر است یکی تأثیر مستقیم و از راه تحول زبان و ترجمه مستقیم از پهلوی بفارسی و بر اثر آنکه این دو زبان ایرانی هستند و دیگر تأثیر غیرمستقیم و بوسیلهٔ ترجمه از عربی که خود متأثر از پهلویست بنابراین بدرستی معلوم نیست که بعضی از اصطلاحاتی که آوردیم تحت تأثیر ترجمهٔ عربی بوجود آمده اند یا اینکه غیرمستقیم از پهلوی گرفته شده اند و یا ایرانیانی که بعربی کتاب و رساله مینوشتند، آن اصطلاحات را رواج داده اند.

تأثیر زبانهای فرانسه و انگلیسی در دستور فارسی  
تأثیر ترجمه در لغات زبان بمراتب بیشتر از تأثیر در

۱- رجوع کنید به صفحه ۱۹۷ کتاب.

G. Lazard, La Langue des plus anciens monuments de la prose persane.

پاریس، چاپ ۱۹۶۳ برای دیدن شواهد بیشتر دربارهٔ مطابقت صفت و موصوف بکتاب لآزار بند ۱۵۵ و ۱۵۶ نگاه کنید.

۲- از تریخ ادبیات در ایران، جلد اول، ص ۱۴۴، تألیف دکتر صفا.

|                     |             |
|---------------------|-------------|
| incompétence (f)    | عدم صلاحیت  |
| irresponsabilité(f) | عدم مسئولیت |
| insuccès (f)        | عدم موفقیت  |
| disproportion(f)    | عدم تناسب   |
| mécontentement (f)  | عدم رضایت   |

مثال برای ترجمه پیشوندهای نفی اسمی با «بی» و «نا»:

|                  |            |
|------------------|------------|
| Insuffisance (f) | نارسایی    |
| Indiscipline (f) | بی انضباطی |

**ب - فاقد و خلاف و ضد** برای ترجمه صفاتی که دارای پیشوندهای نفی هستند - پیشوندهایی از قبیل «anti» و آنچه قبلاً دیدیم. البته «غیر» بعنوان عنصر دستوری از قدیم بوده است و ظهور «فاقد» و «ضد» و «خلاف» بعنوان ادات دستوری صفت ساز گویا تازگی دارد. مثال:

|                      |             |
|----------------------|-------------|
| Incompétent (f)      | فاقد صلاحیت |
| Immorale (f)         | خلاف اخلاق  |
| antilogique (f)      | خلاف منطق   |
| Illégal (f)          | خلاف قانون  |
| antinational (f)     | ضد ملی      |
| anticolonialiste (f) | ضد استعمار  |
| anticommuniste (f)   | ضد کمونیست  |

**ج - بلا** - اینگونه کلمه ها گاهی با «بلا» ترجمه میشوند که گویا در قدیم هم بعنوان شبه پیشوند بکار میرفته است:

|                   |          |
|-------------------|----------|
| inexécuté (f)     | بلا اجرا |
| inconditionné (f) | بلا شرط  |

**د - قابل** - قابل برای ترجمه صفت‌هایی بکار رفته است که آخر آنها پسوندهای «ible» و «able» است مانند:

|                  |              |
|------------------|--------------|
| imprimable (f)   | قابل چاپ     |
| considérable (f) | قابل ملاحظه  |
| acceptable (f)   | قابل قبول    |
| profitable (f)   | قابل استفاده |

اینگونه کلمه ها با «پذیر» هم ترجمه میشوند و گاهی نیز با «قابل» و «پذیر» هر دو:

|                 |                           |
|-----------------|---------------------------|
| évitable (f)    | قابل اجتناب و اجتناب پذیر |
| supportable (f) | تحمل پذیر و قابل تحمل     |

ساختمان دستوری آنست زیرا ساختمان دستوری ستون فقرات زبانست و بسختی تغییر میکند. با اینحال ترجمه گاهی در ساختمان دستوری زبان نیز تأثیر مینماید و این تأثیر یا بصورت ظهور عناصر و اشکال تازه دستوریست و یا بشکل رواج صورتهای نادر و کم استعمال زبانست و ما اکنون تأثیر دستوری زبانهای فرانسه و انگلیسی را در فارسی بررسی می‌کنیم:

ظهور عناصر و اشکال تازه دستوری تحت تأثیر ترجمه از زبانهای غربی - اینگونه عناصر عبارتند از:

۱- عدد کسری ترجمه ای - قبل از آشنائی ما با زبانهای غربی عددهای کسری را از ترکیب یک عدد اصلی با «یک» میساختیم مانند: چهار یک و پنج یک و غیره ولی تحت تأثیر ترجمه نوع تازه ای عدد کسری وارد زبان ما شده است که از ترکیب یک عدد اصلی و یک عدد ترتیبی بوجود می‌آید مانند:

|                                       |          |
|---------------------------------------|----------|
| un deuxième (f)                       | یک دوم   |
| un quatrième(f) one forth(e)          | یک چهارم |
| le trois dixième(f) three tenth       | سه دهم   |
| le trois septième(f) Three seventh(e) | سه هفتم  |

۲- پیدا شدن شبه پیشوندها و پیشوند واره ها - چون در زبان ما پیشوند کمست و در زبانهای غربی بیش از فارسیست بسیاری از کلمات پیشوندی بیگانه با اسمها یا عناصری ترجمه شده اند که بر اثر کثرت استعمال بدل بعنصر دستوری گردیده و ما آنها را شبه پیشوند یا پیشوند واره نامیده ایم. بعضی از اینها در قدیم هم بعنوان عنصر دستوری بوده اند مانند «غیر» ولی بعضی دیگر چنین نیستند و عناصر اخیر عبارتند از:

الف - «عدم» برای ترجمه اسمهایی که دارای پیشوند نفیند یعنی پیشوندهایی از قبیل: «(il)» و «(il)» و «(im)» و «(des)» و «(mé)» و «(in)».

اینگونه پیشوندها با «عدم» و «بی» و «نا» ترجمه شده اند اما چون «بی» و «نا» از قدیم عنصر دستوری بوده اند حالا مورد بحث ما نیستند ولی ظهور «عدم» در فارسی معاصر بعنوان عنصر دستوری تازگی دارد:

بنابراین «پذیر» که ریشه فعلست امروز تحت تأثیر ترجمه رواج یافته و بصورت پسوندواره (شبه پسوند) در آمده است. «قابل» در قدیم هم بندرت بصورت شبه پیشوند آمده است مانند:

وضع زمانه قابل دیدن دوبار نیست

روپس نکرد هرکه از این خاکدان گذشت

(کلیم)

بنابراین رواج «قابل» بعنوان شبه پیشوند و پیشوند واره مربوط بدوران ما و تحت تأثیر ترجمه است.

ت- غیر قابل- این ترکیب نیز تحت تأثیر ترجمه بصورت شبه پیشوند و پیشوند واره و بشکل عنصری دستوری بکار رفته است این ادات نیز کاملاً تازگی دارد و استعمال آن در قدیم بنظر نگارنده نرسیده است. «غیر قابل» برای ترجمه صفت‌های منفی بکار می‌رود که بیسوندهای یاد شده (ible, able) حتم میشوند. اینگونه صفات گاهی با «ناپذیر» نیز ترجمه میشوند و گاهی هم بهر دو صورت ترجمه میگردند. مانند:

غیر قابل قبول

غیر قابل دفاع

غیر قابل پیش بینی

غیر قابل اجتناب، اجتناب ناپذیر

غیر قابل نفوذ، نفوذناپذیر

Inacceptable (f)

Indéfendable (f)

Imprévisible (f)

Inévitable (f)

Impénétrable (f)

شبه پسوند «ناپذیر» برخلاف قیاس صرفی و مقایسه ساختمان زبان فارسیست زیرا در زبان ما معمولاً پیشوند «نا» بر سر ریشه فعلی مستقلاً بکار نمی‌رود مثلاً نمیتوان گفت «ناجو» و «نابر» و «ناخور» زیرا «نا» بیشتر بر سر صفت می‌آید مانند «نامراد» «ناجوانمرد» و غیره. «نا» تنها بر سر بعضی از ریشه های فعل که بتنهائی نیز بکار می‌روند می‌آید مانند: ناساز، ناکام و غیره «نا» در قدیم بر سر بعضی از صفاتی که با ریشه فعل ساخته شده اند نیز می‌آمده است و کلماتی را بوجود می‌آورده است مانند: «نادلپذیر» و «نادلفروز» اینک چند مثال از لغتنامه دهخدا:

بدو گفت طوس ای سپهدار پیر

چه گوئی سخفای نا دلپذیر

(فردوسی)

تو بندوی را سر باغوش گیر

مگو هیچ گفتار نا دلپذیر

(فردوسی)

جهان گرچه زیر کمند آمدش

نکرد آنچه نا دلپسند آمدش

(نظامی)

از آن سخت پیغام نا دلفروز

نبد هوش او مانده تا چند روز

(یوسف و زلیخا)

بنابراین میتوان گفت شبه پسوند (پسوندواره) «ناپذیر» ترکیب جدیدیست و در فارسی قدیم سابقه ندارد و اخیراً بر خلاف قیاس ساخته شده است و با احتمال قوی تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده است و صورت قیاسی ترکیباتی که با این جزء ساخته میشوند باید چنین باشد:

|                |      |               |
|----------------|------|---------------|
| نا اجتناب پذیر | بجای | اجتناب ناپذیر |
| نا اصلاح پذیر  | بجای | اصلاح ناپذیر  |
| نانفوذپذیر     | بجای | نفوذ ناپذیر   |
| ناشکست پذیر    | بجای | شکست ناپذیر   |
| نا تحمل پذیر   | بجای | تحمل ناپذیر   |

ولی حالاکه «ناپذیر»، بعنوان شبه پسوند رایج و پذیرفته شده است و از زیبایی نیز بی بهره نیست اگرچه بصورت غلطیست میتوان آنرا بعنوان غلط مشهور بکار برد مانند دهها غلط مشهور دیگر.

ج- تجدید- این شبه پسوند ترجمه «re» فرانسه و انگلیسی است مانند:

|               |                   |
|---------------|-------------------|
| تجدید نظر     | révision (e, f)   |
| تجدید نظر طلب | révisionniste (f) |
| تجدید حیات    | renaissance (f)   |
| تجدید تسلیحات | rearmament (e, f) |
| تجدید انتخاب  | réélection (f)    |

و از این قبیلست: تجدید قوا، تجدید چاپ، تجدید ساختمان، تجدید اشتراک، تجدید بنا.

یادآوری- گاهی «re» با «عکس» یا «وا» یا «واپس» ترجمه شده است مانند:

|                    |              |              |
|--------------------|--------------|--------------|
| عکس العمل یا واکنش | Réaction (f) | reaction (e) |
|--------------------|--------------|--------------|



forcené (f) سبانه  
 législatif (f) مقننه  
 ۵- بسیاری از قیدهای تنوین دار تحت تاثیر ترجمه بوسیله ما ساخته شده است که در قدیم در عربی مورد استعمالی نداشته است مانند:

profondement(f) deeply(e) عمیقاً  
 directement(f) directly(e) مستقیماً  
 certainement(f) surly یا certainly(e) مطمئناً  
 nécessairement(f) necessarily(e) لزوماً  
 complètement(f) quite (e) کاملاً  
 dernièrement(f) recently (e) اخیراً  
 و همچنین است استثنائاً، منطقاً، مشترکاً و دهها مانند آن. بسیاری از ترکیبهای عربی تحت تاثیر ترجمه بوجود آمده اند و در فارسی بکار رفته اند مانند:

extraordinaire (f) فوق العاده  
 difficile à réaliser (f) صعب الحصول  
 Intellectuelle (f) متور الفكر (روشنفکر)

\*\*\*

۶- گروههای ربطی تازه - بسیاری از گروههای ربطی فارسی تازه بوجود آمده اند و ترجمه گروههای ربطی فرنگی هستند. از این قبیلند:

supposé que یا a supposer (f) بتصور اینکه  
 au moment que (f) از لحظه ای که  
 au cas que (f) در موردی که - در صورتیکه  
 de facon que (f) بطریقیکه  
 de sorte que (f) بنحویکه  
 de peur que یا de crainte que (f) از ترس اینکه  
 plus que, outre que (f) علاوه بر اینکه  
 en même temps que (f) در عین حال که  
 selon que یا suivant que (f) بر حسب اینکه  
 sauf que یا excépté que (f) باستثنای اینکه

1- Intensifier

repression (e) Refoulement (f) واپس زدگی  
 پیشوند «re» را بهتر است با «باز» یا «دوباره» یا «وا» ترجمه کنیم مانند: «بازنگری» بجای «تجدیدنظر» و «واکنش» و «بازسازی».

ج - مجدد - گاهی re با «مجدد» ترجمه شده است که بصورت صفت پسین بکار رفته است مانند:

réformer (f) تشکیل مجدد (کابینه)  
 réexpédition (f) ارسال مجدد  
 د - اعاده - گاهی نیز «re» با اعاده ترجمه شده است مانند:  
 réhabilité (f) اعاده حیثیت

۳- افزایش شدت افزاها - کلماتی مانند بسیار، خیلی، آنهمه، چنین و مانند آنها را، وقتی صفت یا قیدی را مقید سازند، قید شدت افزا<sup>(۱)</sup> میگوئیم. این گونه قیدها در فارسی مشخص و معینند - و نگارنده آنها را در دستور امروز (ص ۷۷ و ۷۸) نوشته است - ولی تحت تاثیر ترجمه فرنگی تعداد دیگری از اینها وارد زبان فارسی شده اند که صفت یا قیدی دیگر را مقید میسازند از آن جمله است:

نسباً، باصطلاح، عمیقاً، کاملاً و صرفاً که البته همه اینها شدت افزا نیستند (مانند: باصطلاح) ولی چون نقش دستوری شدت افزا را دارند ما آنها را در اینجا آوردیم:

full independent (e) کاملاً مستقل  
 quite serious (e) کاملاً جدی  
 purely یا merely Political صرفاً سیاسی  
 relativement limité (f) نسبتاً محدود  
 relatively calm (e) نسبتاً آرام  
 deeply satisfied (e) نسبتاً خوشنود  
 so - called democratic (e) باصطلاح دموکراتیک

۴- بسیاری از مصدرها و صفات عربی که در آن زبان بکار نمیروند تحت تاثیر ترجمه فرنگی بوسیله ایرانیان یا ترکان عثمانی ساخته شده و وارد زبان ما گردیده اند از آن جمله است:

occupation (f,e) اشغال  
 concentration (f,e) تمرکز  
 déléguer (f) اعزام

در فارسی امروز تحت تأثیر ترجمه نوعی دیگر فعل مجهول که بصورت گروه فعلیست بوجود آمده است. این نوع فعل از ترکیب «مورد» و «قرار گرفتن» یا «واقع شدن» بوجود می‌آید و این در وقتیست که فعل متعدیست اما بجای مفعول رانی مفعول بائی یا مفعولی غیر از آن دارد مانند: حمله کردن، انتقاد کردن، اعتراض کردن که مجهولشان میشود: مورد حمله قرار گرفتن، مورد اعتراض قرار گرفتن، مورد انتقاد واقع شدن و مانند آنها؛ مثال:

مورد حمله قرار گرفتن être attaqué(f) to be attacked(e)  
مورد اعتراض واقع شدن être protesté(f) to be protested(e)

۲- امروز تحت تأثیر ترجمه، نوعی اسم جمع وارد فارسی شده است که «ات» عربی بآخر آن ملحق میشود این اسمهای جمع ترجمه کلمات مفرد فرنگیست و عبارتند از:

صادرات exportation(e,f)  
واردات Importation (e,f)  
تبلیغات propagande(f) propaganda(e)  
مطبوعات la presse(f) press(e)  
تظاهرات manifestation  
اصلاحات reform(e)  
انتخابات élection(e,f)  
ملاحظات l'aperçu (f)  
تشکیلات disposition(f) organization(f,e)

دیگر از تأثیرات ترجمه رواج گروههای اسمی طولانی در زبان ماست مانند: «افزایش شکاف بین کشورهای غنی و فقیر» که ترجمه ایست از:

The growing gap between the richs and poors

۳- استعمال عدد اصلی بجای عدد ترتیبی نیز تحت تأثیر ترجمه زیاد شده است مانند:

«قرن بیست» بجای «قرن بیستم» و از این قبیلست نمره یک، اطاق شماره بیست، سال ۱۳۴۲ و دهها مانند آن.

همچنین بعضی از کلمه ها تحت تأثیر ترجمه برخلاف قواعد فارسی جمع بسته میشوند مانند:

آلمانهای حقی آلمانیان les Allemands (f)

حتی وقتیکه quand même(f)  
نظر باینکه vue que (f)  
بامید اینکه in the hope that (e,f)

رواج بعضی از عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه از زبانهای فرنگی - تحت تأثیر ترجمه برخی از عناصر دستوری که در سابق هم بوده اند رواج بیشتری یافته اند؛ از آن جمله اند: فعل مجهول، فعل مستقبل، مطابقت فعل با مسندالیه غیرذیروح، گروههای طولانی، عددهای جمع (مانند صدها و هزارها و دهها)، استعمال عدد اصلی بجای عدد ترتیبی، تجددهائی در قواعد جمع و اسم جمع.

همچنین این عناصر دستوری تحت تأثیر ترجمه بصورت شبه پسوند (پسوندواره) و شبه پیشوند (پیشوندواره) رواج بیشتری یافته اند: غیر، آمیز، انگیز، پذیر، شناسی، پیش، قبل، تنوین، دو، شناس، ساز، سازی، بحسن، بخشی، دار، داری، چند، کثیر، نیم، نیمه، هم، حسن، شبه، سوء، بطور، از لحاظ و غیره.

اینک مثال برای این موارد:

۱- در فارسی معنی فعل مجهول بدو صورت بیان میشود یکی بوسیله فعل معلوم شبه مجهول مانند گفته اند، آورده اند و زدند در جمله هائی از قبیل او را زدند، باو گفته اند. این نوع فعل تنها صورت فعل مجهول در زبان گفتار است و در نگارش نیز مورد استعمال فراوانی دارد. دیگر بوسیله فعل مجهول که در زبان گفتار رایج نیست و فقط در زبان نوشتن بکار میرود ولی چون در زبانهای فرانسوی و انگلیسی فعل مجهول بسیار است در زبان ما نیز تأثیر کرده و تحت تأثیر زبانهای یادشده در فارسی هم استعمال فعل مجهول رو بفرزونی نهاده است مانند:

they are Called نامیده میشوند

فعلهای مجهول فرنگی گاهی در زبان فارسی با فعل مجهول کوتاه یعنی فعل مجهول مرکب یا شبه مرکبی که اسم مفعول آن حذف شده است ترجمه شده اند:

امضاء شدن (بجای امضاء کرده شدن) to be signed

انجام شدن (بجای انجام داده شدن) to be carried out

طرح ریزی شدن (بجای طرح ریزی کرده شدن) to be planned

و همچنین است انگلیسیها و روسها بجای انگلیسیان و روسیان یا انگلیسیها و روسیها؛ ولی بسیاری دیگر از اینگونه کلمات بهتر ازین جمع بسته شده اند مانند: امریکائیا، ایتالیائیا، نروژیها، یونانیا، ژاپونیا نه امریکاها، ایتالیاها، نروژها که البته صورت فصیح تر آن امریکائیان، ایتالیائیان، نروژیان، یونانیان، ژاپونیان و مانند آنهاست.

۶- در فارسی قدیم فعل گاهی با مسندالیه بیجان مطابقت نمیکرده است و گاهی میکرده است ولی امروز تحت تاثیر ترجمه مطابقت فعل با اینگونه مسندالیه ها بیشتر شده است مانند:

ارقام سخن می گویند les chiffres parlent (f)

۷- «must» در انگلیسی هم بمعنی «احتمال دارد» و هم بمعنی «باید» بکار میرود. مثال برای این فعل که بمعنی احتمال دارد آمده است:

niagara fall must be beautiful

یعنی آبشار نیاگارا باید زیبا باشد یعنی احتمال دارد زیبا باشد.

ممکنست «باید» بمعنی «شاید» در فارسی نیز تحت تاثیر ترجمه باشد مانند: «او حالا باید رسیده باشد».

۸- ممکنست «اینطور نیست» نیز ترجمه «n est ce pas» فرانسوی باشد در جمله هائی مانند: او بخانه رسیده است اینطور نیست؟

۹- رواج نوعی امر خواهشی و احترامی بغير صیغه امر، بیشک ترجمه از فرنگیست. در جمله هائی مانند اگر ممکنست بفرمائید بنشینید، آیا مایلید در را باز کنید، ممکن است بخانه ما بیائید؟ بجای بنشینید، در را باز کنید، بخانه ما بیائید. این اصطلاحات ترجمه چنین تعبیراتی هستند:

مایلید در را باز کنید would you open the door

خواهشمندم در را باز کنید will you open the door

voulez-vous parler moins vite (f)

خواهشمندم کمی آهسته تر صحبت کنید

۱۰- بنظر میرسد رواج گروههای فعلی «وجود دارد» و «وجود داشت» نیز تحت تاثیر ترجمه باشد زیرا مادر فارسی فعلهائی نظیر «il y a» فرانسه و «There is» انگلیسی

نداریم و ناچار آنها را با «هست» و «وجود دارد» ترجمه میکنیم.

۱۱- فعلهای مستقبل نیز تحت تاثیر ترجمه در زبان ما رواج بیشتری یافته است. در زبان پهلوی صیغه خاصی برای مستقبل نبوده است و مضارع، نقش مستقبل را نیز بازی میکرده است. در فارسی دری قدیم گاهی مضارع مجرد خواستن (خواهم، خواهی، خواهد...) بخصوص با فعل بودن صیغه مستقبل میساخته است مانند «خواهد بود» و غیره؛ معهذا این فعل همیشه مستقبل نمیساخته است زیرا در بسیاری از موارد فعل شبه معین (فعل وجه ساز) بوده است نه فعل معین مستقبل ساز مثلاً «خواهم رفتن» و «خواهم شدن» بمعنی میخواهم بروم می آمده است نه «خواهم رفت» مثال:

خواهم شدن بیستان چون غنچه با دل تنگ

و آنجا بنیکنامی پیراهنی دریدن

(حافظ)

در این دوران باز صیغه های مضارع بخصوص مضارع مجرد نقش مستقبل را نیز بازی میکرده اند ولی بتدریج فعل شبه معین خواهم، خواهی... تبدیل بفعل معین مستقبل ساز گردیده است. اما ماهنوز در زبان گفتار صیغه مستقبل نداریم و برای رساندن این معنی باز از فعل مضارع بهره مند میشویم و رواج فراوان مستقبل در نوشتن بیشک تحت تاثیر ترجمه است.

۱۲- اینک مثال برای کلمات مستقلى که تحت تاثیر ترجمه بصورت شبه پسوند (پسونداوره) و شبه پیشوند (پیشونداوره) در آمده اند این شبه پسوندها و شبه پیشوندها عبارتند از: پیش، قبل، دو، همه، نیمه، نیم، هم، شبه، حسن، سوء، بطور، از لحاظ، از حیث.

پیش خرید préachat (f)

پیشگیری، جلوگیری prévention (f)

پیش آگهی préavis (f)

پیشداوری préjugé (f)

پیشوند préfixe (f) prefix (e)

پیش رس précoce (f)

گاهی اینگونه کلمات بجای پیش با قبلی ترجمه میشوند

مانند:

préssentiment (f) احساس قبلی

préjugé (f) قضاوت قبلی

و همچنین است وضع عناصر دستورثی که در مثالهای زیر خواهد آمد:

دو همسری، دو جانبه، همه جانبه، چند جانبه، کثیرالاضلاع، نیمه رسمی، نیمدایره، نیمه متمدن، نیمه راه، همجوار، هماهنگ، همخونی، هم پیمان، هم عصر، هموطن، هم میهن، هم عقیده، هم مسلک، شبه فلز، شبه معین، حسن نیت، سوء تفاهم، سوء رفتار، سوء ادب، سوء هضم، سوء جریان، سوء استفاده، بطور محسوس، بقدر کافی، بمقدار زیاد، بطور وسیع، از لحاظ اقتصادی، از نظر نظامی، از حیث نظامی و دهها مانند آن که اخیراً رایج شده است.

یادآوری - «سوء» در قدیم با کلمات عربی ترکیب شده است مانند: سوء القنیه و سوء القضاء ولی ترکیب آن به مقدار زیاد با کلمات فارسی و یا فارسی شده با احتمال قوی تحت تأثیر ترجمه است و تازگی دارد.

### تأثیر حروف اضافه فرانسوی و انگلیسی در فارسی

شماره حروف اضافه فارسی و حروف جز عربی از حرفهای اضافه فرانسه و انگلیسی بمراتب کمتر است باین سبب در این دو زبان هنگام ترجمه بعضی از اسمهای مضاف بجای حرف اضافه بکار میروند مانند خلف در عربی و عقب و پس و سپس در فارسی بجای behind انگلیسی و derrière فرانسه و از این قبیلست: روی، زیر، بالای، نزد، پیش و غیره (با کسره آخر) که در فارسی اسم مضاف و گروه کوتاه حرف اضافه اند ولی معادلشان در فرانسه و انگلیسی حرف اضافه است. بهمین سبب بعضی از دستورنویسان بتقلید از زبان فرانسه و انگلیسی این کلمات را هم حرف اضافه خوانده اند<sup>(۱)</sup> در حالیکه درست نیست.

اینگونه حروف اضافه فرنگی که در فارسی نظیرشان نیست بوسیله گروههای حرف اضافه ترجمه شده اند و این گروهها یا بلندند و در آن صورت ساختمانشان چنینست:

حرف اضافه + اسم + کسره یا حرف اضافه دیگر

contre (f) بر + ضد

against (e) بر + ضد

sauf (f) به + استثناء + ی

except (e) به + استثناء + ی

و یا کوتاهند یعنی صورت کوتاه شده گروههای یاد شده هستند مانند: نزد، پیش، جلو و غیره که میتوان آنها را بصورت بلند هم بکار برد یعنی بصورت بنزد، در پیش، در جلو.

این گروهها نیز یا در زبان ما وجود داشته اند مانند بسوی و بر فراز و درباره و در باب و در لابلای و یا در عصر حاضر بوجود آمده اند مانند بر ضد و با استثنای و غیره.

اینک ترجمه بعضی از حروف اضافه فرنگی در فارسی: الف - آنها که با گروههای کوتاه ترجمه شده اند و معادلشان از قدیم در زبان ما وجود داشته است:

chez (f) near (e) نزد، نزدیک

above (f) بالای

sur (f) on, Upon (e) روی

below (f) زیر

sous (f) under (e) زیر، تحت

entre (f) between (e) بین، میان

suivant (f) طبق، مطابق

derrière (f) behind (e) عقب، پس، پس پشت

inside (e) درون، داخل

dehors (f) outside, out (e) بیرون، خارج

vis-a-vis de (f) opposite (e) مقابل، برابر

ب - آنها که با گروههای بلند ترجمه شده اند و معادلشان در قدیم وجود نداشته و اخیراً تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده اند:

par (f) by (e) بوسیله، بواسطه

sans (f) without (e) بدون

۱- بدستور زبان فارسی تألیف شادروان فریب مبحث حرف اضافه نگاه کنید.

compter sur (f) حساب کردن روی contre(f) against(e) بر ضد، علیه، بر علیه

\*\*\*

sauf(f) except, excepting(e) با استثنای

یادآوری - معادل بسیاری از حروف اضافه و گروه‌های در عرض، در مدت

durant(f) during(e)

حرف اضافه در فارسی حروف اضافه یا گروه حرف اضافه عنوان

comme(f) as(e)

نیست بلکه صفت یا قید است، مانند: autour de (f) around(e) پیرامون، در اطراف

devant(f) before(e) در برابر، در مقابل

après(f) after(e) بعد از

avant(f) before(e) پیش از (مثلاً در برابر دادگاه)

ج - آنها که با گروه‌های بلند ترجمه شده اند و معادلشان

away from دور از

در فارسی تازگی ندارد و از قدیم بوده است:

aside from برکنار از، فارغ از

toward سوی

concerning(e) concernant (f) مربوط به

sur(f) about(e) درباره

bedsides علاوه بر

malgré(f) despite (e) با وجود، علی‌رغم

که از تعبیرات یاد شده تنها «مستقل از» تازگی دارند و

گروه‌های حرف اضافه تازه - بعضی از گروه‌های حرف

تحت تأثیر ترجمه بوجود آمده‌اند و بقیه در فارسی قدیم هم

اضافه تازه فارسی ترجمه گروه‌های حرف اضافه فرنگی

بوده‌اند و سابقه داشته‌اند و تحت تأثیر ترجمه بوجود

هستند مثال:

نیامده‌اند. ■

au moyen de(f) by means of(e) بوسیله

in common with(f) در ارتباط با

in comparison with (e) در مقایسه با

مأخذها:

in contact with(e) در تماس با

این نوشته، تصنیف است نه تألیف و صرفاً از روی ده هزار یادداشتی

en cas de(f) in case of (e) در حال

که در طول سالیان از کتابها و روزنامه‌های فرنگی استخراج کرده‌ام برشته

en faveur de(f) in favour of (e) بفتح، بر له، له

تحریر درآمده است، با اینحال در آن از این مأخذها که خود من سالها پیش

au cours de (f) در جریان

چاپ کرده‌ام بهره گرفته شده است.

à la suit de (f) بدنبال (در پی)

نکاتی چند درباره تأثیر زبانهای فرانسوی و انگلیسی در فارسی، مجله

by way of (e) از طریق

وحید، شماره نهم، سال اول، ص ۹-۱۶ (شهریور ۱۳۲۳)

on behalf of (e) از طرف

نکاتی چند درباره خصوصیات دستوری و کلماتی که از زبانهای

for the sake of (e) برای خاطر، بخاطر

انگلیسی و فرانسوی ترجمه شده‌اند از دکتر خسرو فرشیدورد، وحید،

with respect to (e) با عطف به، با احترام به

شماره دهم، سال اول، ص ۳۶-۴۴ (مهرماه ۱۳۲۳)

with regard to باتوجه به

کلمات و عباراتی که از زبانهای فرانسوی و انگلیسی ترجمه شده‌اند مجله

in proportion to نسبت به

وحید (شماره‌های دوم، چهارم، پنجم، ششم، هفتم، هشتم، نهم)، سال

حروف اضافه فرنگی نوع دیگری از تأثیر نیز در زبان ما

دوم، بهمن ۴۳ و فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد و شهریور

داشته‌اند و آنرا تغییر معنی یا تغییر مورد استعمال حروف

۱۳۴۴.

اضافه فارسی است مانند:

«تأثیر ترجمه در زبان فارسی» مجله فرهنگ و زندگی، شماره ۲۳، پانیز

étudier sur (f) مطالعه کردن روی، بجای مطالعه درباره

۱۳۵۵، ص ۳-۲۷.

appuyer sur(f) تکیه کردن روی، بجای تکیه کردن بر

۱۳۵۵، ص ۳-۲۷.

